

نفی مطلق انگاری امنیت در آموزه‌های اسلامی

محمد حسن خزاعی* - رضا وطن دوست**

چکیده

امنیت و زندگی دور از بیم و هراس در عرصه‌های مختلف زندگی از بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق انسان است. نه هیچ عالم و صاحب اندیشه‌ای در آن تردید دارد و نه هیچ مکتب و نظام حقوقی آن را انکار کرده است، اما باید دید آیا امنیت، مطلق است و آیا آموزه‌های اسلامی این مطلق انگاری در امنیت را برمی‌تابد؟ یا اینکه بسته به شرایط و رفتار افراد، امنیت نسبت به آنان متفاوت خواهد بود؟

این پژوهش بر آن است با مراجعه به قرآن، روایات و فقه شیعی، این موضوع را واکاود و به این سؤال پاسخ دهد. از این رو، پس از مفهوم‌شناسی، بیان ضرورت و اهمیت و نیز اشاره به پیشینه امنیت، این موضوع را پی گرفته است و در نهایت ثابت کرده که ایده مطلق انگاری امنیت، ایده‌ای ناصواب است و در حقیقت مانعی بزرگ بر سر راه تحقق امنیت و نهادینه شدن آن در جامعه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، آموزه‌های اسلامی، امنیت، بی‌هراسی، مطلق انگاری امنیت.

* استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد.

** پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، نویسنده مسئول. vatandoust.r@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۸

مقدمه

انسان بر حسب ساختار زندگی اجتماعی ناگزیر از تعاون و تعامل چند سویه با دیگر افراد در جامعه است. این ساختار در صورتی تداوم می‌یابد که هرکس بتواند دور از هر گونه بیم و هراسی، به زندگی فردی و اجتماعی خود ادامه دهد و با امید به آینده، در زمینه‌های مختلف زندگی، سرمایه‌گذاری نماید. از این رو، هیچ مکتب و نظام حقوقی نمی‌تواند این موضوع را از نظر دور بدارد و نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ زیرا نه تنها امنیت از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای جامعه محسوب می‌گردد، بلکه عاملی مهم و مؤثر است که رشد و توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی را امکان‌پذیر می‌کند.

اسلام که شریعتی جامع است و همواره دغدغه تأمین نیازهای فردی و اجتماعی پیروان خود را دارد، این موضوع را از نظر دور نداشته و برای تأمین آن، دستورها و راهکارهایی مؤثر به همراه آورده است که اگر به درستی فهم و به کار گرفته شود، هم به آسایش و آبادانی دنیای انسان می‌انجامد، و هم بستری مناسب برای توسعه معنویت فراهم می‌آورد.

مفهوم شناسی امنیت

هرچند واژه امنیت از جمله مفاهیم بسیار پیچیده‌ای است که ارائه تعریف یکسان از آن به سادگی میسر نیست، اما با این حال با استفاده از منابع لغوی می‌توان گفت: این کلمه در لغت پارسی مصدر جعلی و از «امن + یت» ساخته شده است، و به آسایش، سلامت، ایمن شدن (معین، ۱۳۶۰: ۳۵۴)، در امان بودن (دهخدا، ۱۳۳۰: ۲۸۹۴)، آسودگی (عمید، ۱۳۶۹: ۲۳۳/۱)، بی‌هراسی (پرتو، ۱۳۷۳: ۲۲۶/۱) و بی‌گزندی در برابر خوف و ناآرامی معنا شده است. و در لغت تازی از ماده «ا + م + ن» گرفته شده که به معنای سکون القلب (فیومی، ۱۹۸۷: ۲۴)، طمأنینة النفس و زوال الخوف (راغب، بی‌تا: ۲۵) و ضد الخوف (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۱/۱۳) تفسیر شده است.

امنیت به این معنا که دو بُعد ایجابی و سلبی آن را دربرمی گیرد، از طبیعت حقوق بشری سرچشمه می گیرد و لازمه حقوق و آزادی های مشروع، مصونیت انسان از هرگونه تعرض و دور ماندن از تهدیدهاست.

پیشینه تحقیق

هرچند در باره امنیت، آثاری به صورت کتاب و مقاله تدوین شده است، اما راجع به این موضوع که آیا امنیت مطلق است یا محدود و اینکه آیا مکتب اسلام، مطلق انگاری امنیت را برمی تابد یا آن را نفی کرده، تا کنون اثری در این باره به نظر نرسیده است. تنها چیزی که در این خصوص جای اشاره دارد، این است که این موضوع به صورت نامنظم و پراکنده در آیات قرآن، احکام و قواعد فقهی و در لابه لای دیگر تعالیم اسلامی ذکر شده است. این نوشته درصدد آن است، با استفاده از آموزه های اسلامی، این موضوع را واکاود و نظر مصاب را که نفی مطلق انگاری امنیت است ارائه نماید.

اهمیت و ارزش معنوی امنیت

دغدغه امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد؛ زیرا در طول تاریخ، کمتر جامعه ای را می توان یافت که فارغ از دغدغه امنیت، روزگار خود را سپری کرده باشد. مطالعه در گذشته تاریخ، این واقعیت انکارناپذیر را روشن می کند که بشر از آغاز تا کنون، سخت متقاضی امنیت بوده است. از این رو، همواره در قالب استراتژی های مؤثر که بتواند امنیت خویش را تأمین کند، سعی در تحصیل آن داشته است. ساختن خانه، دژ، پناهگاه و بسیج نیرو، همه و همه نشانه تلاش بشر برای دستیابی بر امنیت است.

بنابراین، امنیت پیش از آنکه مقوله ای تعریف پذیر باشد، پدیده ای ادراکی و احساسی است، به این معنا که در ذهن توده مردم، این واقعیت نقش بسته است که برای زندگی آرام و دور از هرگونه دغدغه، امنیت امری لازم و ضروری است. (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۱۷) این مفهوم که سنگ زیربنای حیات فردی و اجتماعی بشر محسوب می گردد، در قرآن از اهمیت ویژه ای برخوردار است، تا آنجا که قرآن کریم، برقراری امنیت و آرامش را در جوامع

بشری از اهداف پیامبران الهی دانسته (حدید / ۲۵) و آن را پیش شرط توسعه اقتصادی و زمینه ساز رشد معنوی معرفی کرده، می فرماید:

﴿ وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ آمِنَهُمْ مُطْمَئِنَّةٌ يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ ﴾ (نحل / ۱۱۲)؛

خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزی اش از هر سومی رسید.

و در جای دیگری می فرماید: ﴿ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنْ

الثَّمَرَاتِ ﴾ (بقره / ۱۲۶)؛ چون ابراهیم گفت: پروردگارا، این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را از فرآورده ها روزی بخش.

قرآن کریم در این باره که حتی رشد معنوی نیز در سایه امنیت امکان پذیر است، می فرماید: ﴿ فَإِذَا آمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ .. ﴾ (بقره / ۲۳۹)؛ آن گاه که ایمن شدید خدا را یاد کنید. ... ﴿ فَإِذَا أَظْمَأْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ﴾ (نساء / ۱۰۳)؛ آن گاه که آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید.

قرآن کریم در اشاره به جایگاه امنیت و میزان ارزش معنوی آن تا آنجا پیش رفته است که آن را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و جانشینی صالحان دانسته، می فرماید:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ﴾ (نور / ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده که آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه کسانی پیش از آنان را جانشین خود قرار داد. و دینی را که برایشان پسندید به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

در اهمیت و فضیلت امنیت همین بس که قرآن کریم به عظمت «شهر امن» سوگند یاد کرده (تین / ۳) و واژگانی مانند «امین»، «امن»، «امان»، «ایمان» و «امانت» را ده ها بار به صورت های مختلف ذکر کرده است که همگی بیانگر نوعی امنیت و آرامش است.

پیامبر رحمت هر نوع ایجاد وحشت و هراس در دل انسان هایی که مرتکب خلافی

نشده اند، ظلمی بزرگ و تجاوز تلقی کرده، و آن را از جرائم بزرگ شمرده است؛ چنان که فرمود:
«لَا تَرْعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رُوعَةَ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ مسلمان را نترسانید؛ زیرا ایجاد
وحشت در مسلمان ظلمی بزرگ است. (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲/۷۳۳).

سخن معروف امام علی علیه السلام در ضرورت داشتن امیر و پذیرش حکومت مرکزی بیانگر
این واقعیت است که برقراری امنیت امری بایسته است، هرچند که حاکمی فاجر آن را
تأمین کند:

«وَإِنَّهٗ لَأَبْدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَ
يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ، وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَيُؤْخَذُ بِهِ
لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ»؛ (فیض الاسلام، خ ۴۰، ۱۲۵)
بی تردید مردم از داشتن زمامدار ناگزیرند، چه نیکوکار و چه تبهکار، تا در پرتو حکومتش
مؤمن به کار و سازندگی پردازد و کافر بهره خود برد. و بدین ترتیب دنیا بچرخد و روزگار به
سر آید، در حکومت او بیت المال گرد آید و سامان گیرد، با دشمن پیکار شود، راه‌ها ایمن
گردد، و به نیروی او حق ناتوان از قوی ستانده شود تا نیکوکار روزگار خود را به آسودگی
بگذراند و از گزند تبهکار در امان ماند.

آن حضرت که پس از بیست و پنج سال خانه نشینی، به دنیای سیاست بازگشت، در
اشاره به فلسفه پذیرش حکومت، تأمین امنیت در جامعه را از اهداف عالی تصدی
حکومت خود معرفی کرده، می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ
فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ
مِنْ عِبَادِكَ» (فیض الاسلام، خطبه ۱۳۱، ۴۰۶)؛ خدایا تومی دانی که جنگ و درگیری ما
برای دست آوردن سلطنت و ثروت نبود، بلکه خواستیم نشانه‌های دین تورا به جای خود
بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم کشیده‌ات در آسایش
به سر برند.

با استفاده از آیات قرآن و دیگر تعالیم اسلامی معلوم است که امروز بیش از پیش و

پیش‌تر از هر چیزی، ضرورت طراحی جامعه امن بر پایه روابط دینی و فرهنگی و مناسبات سازگار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، همگان را به یاری می‌طلبد؛ زیرا تنها در سایه امنیت است که استعداد های نهفته بشر در عرصه های فکری، فرهنگی و اقتصادی شکوفا می‌شود و دستمایه های فکری و مالی حفظ می‌گردد.

نفی مطلق انگاری امنیت

یکی از معضلات جوامع بشری، نگرش های نادرست به مفاهیم سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است که گاه با برداشت های یک سونگر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از جمله این مفاهیم، موضوع امنیت است که ممکن است مانند عدالت و آزادی عقیده، مورد استفاده نادرست قرار گیرد و برخی از آن به عنوان حقوق بشر دم بزنند و در این راستا با یک سونگری مغرضانه، تنها به آن دست از منابعی که به امنیت و آسایش عمومی مردم توجه دارد، استدلال کنند و دیگر منابعی را که به ستیز با اخلاک‌گرا نظم دستور داده است، نادیده انگارند. لکن انصاف این است که شریعت اسلام، هرگز یک سونگری و مطلق انگاری در چنین مفاهیمی را بر نمی‌تابد؛ زیرا در بینش اسلامی امنیت تا جایی محترم است که به سلب آسایش و امنیت دیگران نینجامد. از این رو، قرآن کریم، افزون بر آنکه برقراری امنیت در جامعه و حفظ آن را امری ضروری می‌داند، گاه به برهم زدن امنیت اخلاک‌گرا نظم نیز سفارش کرده است؛ چراکه حفظ امنیت این امنیت ستیزان، از نوع ترحم بر پلنگ تیز دندان است.

بنابراین، با اینکه ضرورت امنیت در عرصه های مختلف زندگی ثابت و محرز است و بر هیچ کس پوشیده نیست، باید یادآور شد امنیت مطلق نیست که برای همگان و در هر شرایط، لازم الاجرا باشد، بلکه بسته به شرایط و نوع رفتار مجرمانه برخی افراد، باید امنیت آنان سلب شود و به شکل قانونمند مجرمان مجازات گردند. از این رو، اگر چه در قرآن کریم، تجاوز به جان مردم و تهدید سلامت آنان مردود و ناپسند اعلام شده است، (اسراء / ۳۳) و اگر چه در آموزه های فقهی، برای تدارک امنیت جان مردم، قواعدی همچون قاعده «لانتقیة فی الدماء» (حلی، ۱۴۱۰/۲: ۵۲۵؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹/۱: ۹۶).

و «دَمُ الْمُسْلِمِ لَا يَذْهَبُ هَدْرًا» (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۲۹؛ محقق داماد، ۱۴۲۹: ۴/ ۱۵۵) ارائه شده است، اما حکم قصاص که نوعی سلب امنیت جانیان آدم‌کش به شمار می‌رود، از نظر دور نمانده است. قرآن کریم در اشاره به سلب امنیت آدم‌کشان بی‌رحم می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره / ۱۷۹)؛ ای خردمندان، برای شما در قصاص، زندگانی است.

قرآن در جای دیگر در مبارزه با مفسدان فی الأرض که امنیت جامعه را تهدید می‌کنند، دستوری سخت و کوبنده داده، می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده / ۳۳)؛ همانا سزای آنان که با خدا و پیامبرش به مبارزه برخیزند و در زمین به فساد و فتنه بکوشند، این است که کشته شوند یا به دار مجازات آویخته گردند، یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا تبعید گردند. این رسوایی در دنیاست و در آخرت، عذابی بزرگ خواهند داشت.

در خصوص امنیت حیثیتی نیز باید گفت: اگر چه در قرآن کریم برای حفظ حیثیت افراد، از هرگونه تهمت ناموسی (نور / ۱۹ و ۲۳)، تجسس و عیب‌جویی (حجرات / ۱۲) نهی شده و در فقه اهل بیت علیهم‌السلام نیز برای جلوگیری از ناامنی در این حوزه، قواعدی همچون قاعده «فراش» (نجفی / ۱۳۶۵: ۳۱/ ۲۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۷/ ۱۶۳)، «درأ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰/ ۲۶؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۴۱/ ۴۸۲) و مانند آن طراحی شده است، اما آن‌گاه که کسی با تهمت و افترا حیثیت دیگران را مخدوش کند، یا مرتکب جرم حیثیتی شود، با مجازاتی سخت، مانند تازیانه^۱ و سخت‌تراز آن، به رجم و سنگسار شدن، کیفر می‌شود.

و نیز اگر چه مکتب اسلام در حوزه امنیت سیاسی درباره پناه دادن به دوگانه‌پرستان

۱. ﴿وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾، نور / ۴.

پناه جو و حفظ امنیت آنان، نظری مساعد دارد^۱ و رأفت خود را از آنان دریغ نداشته است، اما نسبت به دوگانه پرستانی که امنیت جامعه اسلامی را تهدید می کنند، دستوری قاطع و بازدارنده داده است. قرآن در برخورد قهرآمیز با این امنیت ستیزان می فرماید:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ...﴾ (بقره: ۱۹۰)؛ با آنان که با شما سرستیز دارند، نبرد کنید... .

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ...﴾ (بقره: ۱۹۱)؛ و در هر جا بر آنان دست یافتید، امانشان ندهید... .

شریعت اسلام در حوزه امنیت اقتصادی نیز یک سونگری در امنیت را نفی کرده است. از این رو، اگر برای حفظ امنیت در این حوزه، حرام خوری و ضایع کردن حق دیگران را مردود دانسته است، برای احقاق حق و استرداد اموال زیان دیدگان، تقاص را که نوعی نفی مطلق انگاری امنیت محسوب می گردد، مجاز شمرده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۲۰۳/۱۲).

در فقه اسلامی آمده است که اگر افرادی در قالب احتکار، ارزاق عمومی را در اختیار خود بگیرند و از این راه در بازار مسلمانان اختلالی به وجود آورند، باید مجازات شوند و با تخلیه انبار آنان و فروش ارزاق احتکار شده با نرخ مناسب، امنیت آنان را سلب کرد. (خمینی، ۱۴۰۳: ۵۰۲/۱؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۲۲/۴۸۱).

امام علی علیه السلام در بخشی از عهدنامه خود به مالک اشتر فرمود:

«فامنع من الاحتكار فإن رسول الله - صلى الله عليه وآله - منع منه... فمن قازف حكرة بعد نهيك آياه فنكّل به وعاقبه في غير اسرافٍ» (فیض الاسلام، نامه ۵۳، ۱۰۱۷)؛ از احتکار جلوگیری کن، چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن نهی فرمود و هرکس پس از منع، دست به احتکار زد، او را مجازات کن و عبرت دیگران قرار ده؛ البته در کیفر زیاده روی نکن. با اینکه در قرآن آمده که اگر کسی از پرداخت بدهی خود ناتوان باشد، نباید بر او

۱. ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ﴾ توبه / ۶.

سخت گرفت و امنیت و آسایش او را سلب کرد، بلکه لازم است تا زمان گشایش به او مهلت دهند (بقره / ۲۸۰)، اگر کسی با استفاده از قدرت خود، از پرداخت طلب دیگران شانه خالی کند، و بدهی خود را نپردازد، دستور این است که حاکم حق دارد او را به پرداخت بدهی اش مجبور کند (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۵/۳۲۳).

از امام علی علیه السلام روایت شده که گاه بدهکار را بازداشت و وی را به ادای دین خود مجبور می کرد و گاه او را در اختیار طلبکاران قرار می داد تا او را اجیر کنند و از این راه طلب خود را وصول نمایند. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

امام علی علیه السلام فردی بدهکار را دستگیر می کرد، سپس به او می نگریست که اگر مالی داشت از وی می گرفت و به طلبکاران می داد. و اگر مالی نداشت او را در اختیار طلبکاران قرار می داد و به آن ها می فرمود: برای طلب خود، هر طور که می خواهید او را به کار بگیرید و اگر خواستید اجیرش کنید (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۱۳/۱۴۸).

در این باره که امنیت در فعالیت های اقتصادی مطلق نیست، احکامی ویژه و دستوراتی بسیار رسیده است، مجازات رباخواران، نظارت بر بازار برای جلوگیری از گران فروشی و غش در معامله، و نیز گرفتن مالیات از شهروندان، اخذ جزیه از اقلیت های دینی، ایجاد محدودیت های شغلی برای برخی افراد، از جمله مواردی هستند که مطلق انگاری امنیت را در حوزه امنیت اقتصادی نفی می کند. (قاضی تمیمی، ۱۳۸۵: ۳۲/۲ - ۳۸).

کوتاه سخن آنکه اگر از منظر اسلام، آسایش و امنیت در هر حوزه ای امری شایسته و بایسته است، باید دانست تنها به افرادی که به وظایف فردی و اجتماعی خود آشنا هستند و به قانون و حقوق دیگران تجاوز نمی کنند، اختصاص دارد. قرآن در این باره می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ﴾ (انعام: ۸۲)؛ برای کسانی که ایمان آورده و ایمان خویش را با ظلم نیالوده اند آرامش و آسایش است.

و اما خلافکاران قانون گریز و جنایتکاران امنیت ستیز که در مسیر خلاف حرکت می کنند و آسایش اجتماعی و امنیت اقتصادی مردم را سلب می کنند، به دلیل ماهیت عملکردشان از حق امنیت محروم اند. و به همین دلیل است که قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران، در اصل ۲۳ با صراحت می گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می کند.»
مقام معظم رهبری در اشاره به نفی مطلق انگاری امنیت در عرصه فعالیت های اقتصادی و اینکه قطع کردن دست قانون گریزان امنیت ستیز، کاری بایسته است، فرمود:
«اگر می خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید در صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می خواهیم، بایستی دست مفسد و سوء استفاده چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود. مبارزه با فساد این است، این باید جدی گرفته شود.» (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

ایشان در فرمان هشت ماده ای خود به سران قوا در ضرورت مبارزه با مفاسد اقتصادی می فرماید:

«ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده کنندگان از ثروت های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه هاست. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم اند.» (۱۳۸۰/۲/۱۰).

جمع بندی و نتیجه گیری

هرچند امنیت، موضوعی بسیار مهم است و همگان پذیرفته اند که این موضوع از بدیهی ترین و اساسی ترین حقوق بشر به شمار می آید، اما تجربه نشان داده که امنیت نمی تواند مطلق باشد و همگان در هر شرایطی از آن برخوردار باشند. مکتب اسلام نیز مطلق انگاری امنیت را بر نمی تابد و آن را امری ناصواب و دور از واقع می داند.
این پژوهش که برگرفته از آموزه های اسلامی است، با مراجعه به این آموزه ها توانسته است این مسئله را واکاود و دور از هرگونه پیش فرضی، به این نتیجه برسد که ایده مطلق انگاری امنیت، نه تنها نظری نادرست و دور از واقع است که اگر درست تحلیل شود، مانعی بزرگ بر سر راه امنیت و تحقق آن در جامعه است.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور الافريقى المصرى، جمال الدين محمد، *لسان العرب*، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
۳. پرتو، ابوالقاسم، *واژه‌یاب*، اساطير، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح جمال الدين محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ش.
۵. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.
۶. حلی، حسن بن یوسف مطهر، *نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام*، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۷. حلی، نجم الدين جعفر بن حسن، *مختصر النافع*، مؤسسه بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
۸. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، اعتماد، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، ۱۳۳۰ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
۱۱. سیوطی، جلال الدين، *الجامع الصغیر*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷ش.
۱۴. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ش.
۱۵. فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، بی جا و بی تا.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، مکتبه اللبنان، بیروت، ۱۹۸۷ق.
۱۷. قاضی تمیمی، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، آل البيت، قم، ۱۳۸۵ق.
۱۸. کاشف الغطاء، محمد حسین، *تحریر المجله*، الحیدریه، نجف، ۱۳۵۹ق.
۱۹. کاظمی، علی اصغر، *روابط بین الملل در تئوری و عمل*، نشر قوس، تهران، ۱۳۵۲ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالتعارف، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی، قم، ۱۴۲۹ق.
۲۲. مصطفوی، محمد کاظم، *القواعد*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدّرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. معین، محمد، *فرهنگ معین*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۴. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.